

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: مقدمه.....
۱ - ۱	۱- بیان موضوع.....
۲ - ۱	۲- بیان اهمیت موضوع.....
۳ - ۱	۳- پیشینه ی تحقیق موضوع.....
۴ - ۱	۴- روش تحقیق.....
۵ - ۱	۵- تعریف مصطلحات.....
۴	فصل دوم: فخررازی و تفسیر کبیر او.....
۵ - ۲	۱- شرح حال فخررازی.....
۹ - ۲	۲- تألیفات فخررازی.....
۱۳ - ۲	۳- ۱- روش مؤلف در تفسیر کبیر.....
۱۵ - ۲	۳- ۲- ویژگی های تفسیر کبیر.....
۱۷ - ۲	۳- ۳- آیا فخررازی تفسیر کبیر را تمام کرد؟.....
۱۹ - ۲	۳- ۴- منابع تفسیر کبیر.....
۲۱ - ۲	۳- ۵- تفسیر کبیر؛ منبع بسیاری از تفاسیر.....
۲۳	فصل سوم: اعجاز.....
۲۴ - ۳	۱- تعریف.....

- ۳-۲. نقش معجزه در اثبات نبوت..... ۲۶
- ۳-۳. تفاوت معجزه با کرامات..... ۲۶
- ۳-۴. تناسب معجزه با زمان..... ۲۸
- ۳-۵. دلایل اعجاز قرآن..... ۳۰
- ۳-۶. مراتب تحدی..... ۳۵
- ۳-۷-۱. مقدار تحدی شده از قرآن..... ۳۷
- ۳-۷-۲. عجز جن از آوردن مانند قرآن..... ۴۱
- ۳-۸-۱. وجوه اعجاز قرآن..... ۴۲
- ۳-۸-۲. مراد از «من مثله» در سوره ی بقره..... ۴۷
- ۳-۹-۱. درخواست معجزه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم..... ۴۹
- ۳-۹-۲. کیفر کفر به معجزه ی اقتراحی..... ۴۹
- فصل چهارم: محکم و متشابه..... ۵۱
- ۴-۱. تعریف لغوی..... ۵۲
- ۴-۲. محکم و متشابه بودن تمام قرآن..... ۵۵
- ۴-۳. مراد از آیات محکم و متشابه..... ۵۸
- ۴-۴. معنای ام بودن محکمت..... ۶۵
- ۴-۵. فواید متشابهات..... ۶۵
- ۴-۶. علم به متشابهات..... ۶۷

- فصل پنجم: ناسخ و منسوخ ۷۲
- ۵- ۱. نسخ در لغت ۷۳
- ۵- ۲. ناسخ در اصطلاح ۷۵
- ۵- ۳. وقوع نسخ ۷۶
- ۵- ۴. ادله ی قائلان به وقوع نسخ در قرآن ۷۸
- ۵- ۵. برخی از شبهات نسخ ۸۱
- ۵- ۶. معنای نسخ و انشاء در آیه ی « ما ننسخ من آیه أو ننسها » ۸۲
- ۵- ۷. مراد از « نأت بخیر منها أو مثلها » ۸۶
- ۵- ۸. نسخ تلاوت ۸۷
- ۵- ۹. جواز نسخ حکم بدون جایگزین ۸۷
- ۵- ۱۰. امکان نسخ امری با امری سخت تر ۸۸
- ۵- ۱۱. جواز نسخ حکم قبل از عمل ۸۸
- ۵- ۱۲. نسخ کتاب با سنت متواتر ۸۹
- ۵- ۱۳. آیات مورد ادعای نسخ ۹۱
- ۵- ۱۳- ۱. آیه ی طلب رحمت برای والدین ۹۱
- ۵- ۱۳- ۲. آیه ی جهاد با همسایگان کافر ۹۲
- ۵- ۱۳- ۳. آیه ی جهاد با جنگ آوران ۹۲
- ۵- ۱۳- ۴. آیه ی جهاد ۹۴

- ۹۴..... ۵-۱۳-۵. آیه ی تحریم جنگ در ماه های حرام
- ۹۶..... ۵-۱۳-۶. آیه ی صلح
- ۹۷..... ۵-۱۳-۷. آیه ی تهدید
- ۹۸..... ۵-۱۳-۸. آیه ی نجوا
- ۱۰۰..... فصل ششم: حروف مقطعه
- ۱۰۱..... ۶-۱. معنای حروف مقطعه
- ۱۱۲..... ۶-۲. معنای « طه »
- ۱۱۳..... ۶-۳. معنای « یس »
- ۱۱۳..... ۶-۴. روایات راجع به حروف مقطعه
- ۱۱۴..... ۶-۵. حکمت افتتاح سور با حروف مقطعه
- ۱۲۰..... نتیجه گیری
- ۱۲۰..... پیشنهاد
- ۱۲۱..... فهرست منابع

فصل اول:

مقدمه

۱ - ۱. بیان موضوع

چهار بحث اعجاز، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و حروف مقطعه از مباحث علوم قرآنی هستند درباره ی هر یک از این چهار بحث محققان و پژوهشگران مطالب مختلفی ابراز داشته اند، در این پایان نامه آرای یکی از مفسران بزرگ یعنی فخررازی راجع به این مباحث در تفسیر کبیر مطرح و همچنین مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

۱ - ۲. بیان اهمیت موضوع

فخررازی یکی از مفسران بزرگ است که در قرن ششم می زیسته است، و تفسیر کبیر او نیز از بزرگ ترین تفاسیر عصر حاضر است. به دست آوردن آرای او راجع به این چهار بحث در تفسیر کبیرش می تواند فوائد بسیاری داشته باشد از جمله اینکه ممکن است او مسائلی را راجع به این مباحث مطرح کرده باشد که امروزه مورد غفلت محققان و پژوهشگران باشد و همچنین به دست آوردن آرای فکری او می تواند ما را با فضای فکری و علمی دوران او راجع به این مباحث علمی آشنا کند بنابراین اهمیت این پایان نامه تا حدودی روشن شد.

۱ - ۳. پیشینه ی تحقیق درباره ی موضوع

درباره ی برخی آرای فخررازی در تفسیر کبیر نوشته هایی وجود دارد درباره ی چهار بحث اعجاز، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و حروف مقطعه نیز در کتب تفسیری و علوم قرآنی مطالبی از تفسیر کبیر فخررازی به چشم می خورد لیکن شاید بتوان گفت تحقیقی بدین گستردگی راجع به این چهار بحث علوم قرآنی تاکنون انجام نشده است و بنابراین موضوع این پایان نامه منحصر به فرد است.

۱ - ۴. روش تحقیق

این پایان نامه به دنبال به دست آوردن آرای فخررازی راجع به چهار بحث مذکور در تفسیر کبیر او و نقد و بررسی این آرا است بدین جهت ما در این پایان نامه ابتدا مباحث را سازماندهی کردیم سپس آرای

این مفسر راجع به بحث های مذکور را به دست آوردیم و بعد به نقد و بررسی آنها پرداخته ایم از این رو می توان روش تحقیق این پایان نامه را « توصیفی - تحلیلی » دانست.

۱-۵. تعریف مصطلحات

علوم قرآنی: معنای لغوی این واژه مشخص است لیکن درباره ی معنای اصطلاحی آن آیت الله معرفت رحمه الله علیه می نویسد:

اصطلاح « علوم قرآنی » بر مجموعه مسائل مرتبط با شناخت قرآن و شئون مختلف آن گفته می شود. علوم قرآنی مباحث بیرونی قرآن است و برخلاف « معارف قرآنی » به درون و محتوای قرآن از جنبه ی تفسیری کاری ندارد. به عبارت دیگر علوم قرآنی مقدمه ای برای معارف قرآنی و تفسیر است.^۱

در مورد هر یک از اصطلاحات اعجاز، محکم و متشابه، نسخ و حروف مقطعه نیز به فصل مربوط به آن مراجعه شود.

۱ . معرفت؛ محمدهادی؛ علوم قرآنی؛ ص ۹.

فصل دوم:

فخر رازی و تفسیر کبیر او

۲-۱. شرح حال فخررازی

درباره ی فخرالدین محمد بن عمر بن حسین معروف به فخررازی آورده اند:

در بیست و پنجم ماه رمضان سال پانصد و چهل و سه یا چهار یا پنج به دنیا آمد. سپس علم را از پدرش امام ضیاءالدین خطیب الری مصاحب امام بغوی فرا گرفت؛ صفت «ابن خطیب الری» که به فخر می دهند به خاطر نسبت دادن او به پدرش است، او از پدرش علم فرا می گرفت تا اینکه پدرش از دنیا رفت، سپس آهنگ کمال سمعانی را کرد و مدتی از او علم آموخت سپس به ری برگشت و به تحصیل علوم حکمی پرداخت پس حکمت را به خوبی از مجدالدین جیلی آموخت و این مجدالدین از اعلام زمانش و از شاگردان محمد بن یحیی است، زمانی که از مجد جیلی درخواست شد که برای تدریس به شهر مراغه برود امام فخرالدین رازی او را در رفتن به آنجا همراهی کرد، و در آن زمان او طفلی کوچک بود، و مدت زیادی از او کلام و حکمت آموخت، فخرالدین رازی در ابتدای امرش به تحصیل فقه و سپس به فراگیری علوم حکمی پرداخت و شخصیتی برجسته گردید که در زمانش بی مانند شد.^۱

آیت الله معرفت رحمه الله علیه درباره ی این مفسر بزرگ می نویسد:

اصل او از طبرستان بود ولی پدرش به ری آمد و در آنجا ساکن شد و به همین علت به رازی شهرت یافت. ظاهراً [در کلام] پیرو مکتب اشعری و [در فقه] تابع شافعی است و تألیفات ارزشمندی دارد. او بر ادب و کلام و فلسفه و عرفان نیز تسلط داشت.^۲

نیز درباره ی این مفسر به نقل از مورخان آورده اند که هنگامی که او به راه می افتاد حدود سیصد نفر که به کسب علم اشتغال داشتند همراه او به راه می افتادند.^۳

۱. رازی؛ فخرالدین؛ التفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب؛ ج ۱؛ ص ۵.

۲. معرفت؛ محمدهادی؛ تفسیر و مفسران؛ ج ۲؛ ص ۲۷۲.

۳. رازی؛ فخرالدین؛ پیشین؛ ج ۱؛ ص ۶.

فخررازی به موعظه و پند دادن نیز می پرداخته است در این باره به نقل از ابن خلکان آورده اند:

او در موعظه کردن ید بیضایی داشت و به دو زبان عربی و عجمی موعظه می کرد، و در حال موعظه کردن از خود بی خود می شد و بسیار می گریست.^۱

همچنین درباره ی مجلس درس فخررازی آورده اند:

زمانی که امام فخرالدین تدریس می کرد جماعتی از بزرگان شاگردانش گرد او را می گرفتند مانند زین الدین کشی و قطب مصری و شهاب الدین نیشابوری، بعد از این ها دیگر شاگردان بودند و بعد غیر اینان به اندازه ی مرتبه شان در علم و فهم قرار داشتند پس هنگامی که کسی سؤالی را می پرسید، شاگردان جواب او را می دادند و اگر امر دشوار می شد بزرگان شاگردان به آن ها پاسخ می دادند و گرنه خود امام جواب می داد و به آنچه فوق وصف است، سخن می گفت.^۲

نیز آیت الله استادی درباره ی او می نویسد:

مسافرت های زیاد و مناظرات فراوانی داشته است، بخشی از مناظرات او با همین نام چاپ شده است او را از این رو امام المشککین گفته اند که بیش از حد در مسائل ایجاد شبهه می کرد.^۳

نیز ایشان آورده است که فخررازی حتی به سخنان و جواب های خودش هم اشکال می کرده است و در بحث و جدل بسیار قوی بوده است.^۴

همچنین آیت الله استادی می نویسد:

او مانند زمخشری، احیاناً مطالبی به نفع شیعه در کتاب هایش آورده، و در مقابل هم گاهی در استدلالات قرآنی و روایی شیعه که هیچ جای تردید نداشته، بی جهت القاء شبهه کرده است.

۱. همان.

۲. همان.

۳. استادی؛ رضا؛ آشنایی با تفاسیر قرآن مجید و مفسران؛ ص ۲۲۲.

۴. همان؛ ص ۲۲۳.

تألیفات او را حدود صد و پنجاه کتاب و رساله دانسته اند کتاب های او به زبان عربی و فارسی است و فارسی هایش از حیث ادبیات فارسی هم ارزشمند است.

همچنین تألیفات و تنوع آنها شاهد گستردگی اطلاعات او است و کتابی دارد که در آن از شصت علم بحث شده است (السّتون).

کتابی به نام عصمة الأنبياء دارد مانند تنزیه الأنبياء سید مرتضی از علمای شیعه.^۱

درباره ی آثار او به نقل از ابن خلکان آورده اند:

آثار وی مفید و سودمند است و در سرزمین های مختلف منتشر شده و از اقبال فراوان برخوردار گشته است و مردم به این کتاب ها روی آورده و کتاب های گذشتگان را کنار گذاشته اند. وفات وی در سال ۶۰۶ بود.^۲

آیت الله استادی می گوید:

قبر او در هرات یا اطراف آن است. چون با کرامیه شدیداً مخالف بوده است گفته شده که آن ها او را کشته اند و داستان مسموم شدن او توسط آن ها در وفیات الاعیان و کتاب های دیگر آمده است.^۳

در اینکه برخورد فخررازی با اهل بیت چگونه است آیت الله معرفت رحمه الله علیه می نویسد:

فخررازی به اهل بیت پیامبر عنایت خاصی دارد و با اکرام و تعظیم زیادی از آنان یاد می کند و شأن و منزلت آنان را عظیم می شمرد؛ که نشان دهنده ی محبت استوار و محکم وی نسبت به خاندان پاک پیامبر - که عدل و همتای قرآن کریمند - می باشد. هنگام سخن در مورد جهر به بسم الله (بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحيم) می گوید: « به تواتر به ما رسیده است که علی بن ابی طالب بسم الله را بلند می گفت و هر کس که در دینش از علی بن ابی طالب پیروی کند مسلماً

۱. همان؛ ص ۲۲۴.

۲. معرفت؛ محمدهادی؛ تفسیر مفسران؛ ج ۲؛ ص ۲۷۲.

۳. استادی؛ رضا؛ پیشین؛ ص ۲۲۲.

هدایت شده است و دلیل آن، این حدیث پیامبر است که فرمود: « اللهم أدر الحق مع علي حيث دار»^۱

نیز ایشان می نگارد:

از جمله عادت های وی، درود فرستادن بر آل پیامبر و ائمه ی اطهار است؛ همانند درود فرستادن بر شخص پیامبر اکرم. او هنگامی که از امام صادق علیه السلام یاد می کند، اولاً از او با لقب « صادق » یاد می کند و دیگر آنکه عبارت « علیه السلام » را بعد از نام وی می آورد.^۲

همچنین ایشان آورده اند:

چیزی که جلب توجه می نماید این است که وی فقط بعد از نام ائمه، عبارت « علیه السلام » را به کار می برد که به وضوح بر میزان احترام والای وی نسبت به خاندان نبوت دلالت دارد.

او وقتی که به آیه متعه از سوره ی نساء (آیه ی ۲۴) می رسد می گوید: متعه در زمان حیات پیامبر نسخ شد و ما منکر آن نیستیم که متعه مباح بوده، بلکه سخن ما این است که منسوخ شده است. - در مورد نهی عمر از آن می گوید: - اگر منظور عمر این بود که متعه در شرع پیامبر مباح بود و من آن را نهی کردم تکفیر او و تکفیر همه ی کسانی که با او مخالفت نورزیدند و ستیز نکردند واجب می شود و حتی این تکفیر به امیرمؤمنان هم می رسد؛ زیرا با او به ستیز برنخواست و بر این سخنش اشکال نگرفت. « مقصود او از « امیرمؤمنان » امام علی بن ابی طالب علیه السلام است که در زمان عمر او را با آن لقب توصیف می کند.^۳

نیز آیت الله معرفت رحمه الله علیه درباره ی حمله ی فخررازی به شیعه و یا توصیف آن ها به « روافض » در تفسیر کبیر، احتمال داده است که این امور، کار نسخه برداران بوده باشد.^۴

لیکن در کتاب آشنایی با تفاسیر و مفسران آمده است:

۱. معرفت؛ محمد هادی؛ تفسیر و مفسران؛ ج ۲؛ ص ۲۷۵-۲۷۶.
۲. همان؛ ص ۲۷۶.
۳. همان؛ ص ۲۷۶-۲۷۷.
۴. همان؛ ص ۲۷۷.

فخررازی در این کتاب تفسیر که در اواخر عمرش نوشته است در قبال اهل بیت علیهم السلام، همچون دیگر علمای اهل سنت، دوگانه برخورد نموده است. در برخی موارد با بیان جملات و آوردن روایاتی که نشانه‌ی علاقه و احترام او به حضرت علی علیه السلام و اهل بیت پیامبر علیهم السلام است، تفسیرش را زینت داده است مثلاً ذیل آیه‌ی « وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ ... »^۱ در ضمن روایات، شأن نزول آیه را درباره‌ی علی علیه السلام یادآوری کرده است؛ و یا ذیل آیه‌ی ۶۱ سوره‌ی آل عمران به تفصیل داستان مباحله را آورده و آیه‌ی تطهیر را یادآوری کرده است و صحت روایت را در بیان مفسران و اصحاب حدیث متفق علیه دانسته است.^۲

نیز در آن کتاب در ادامه آمده است:

ولی متأسفانه، همین فخررازی در موارد بسیاری نیز به کتمان حقایق پرداخته و آیات نازل شده در حق حضرت علی علیه السلام را که بیشتر به جنبه‌ی خلافت آن حضرت برمی‌گردد، به گونه‌ای خلاف واقع توجیه کرده است. او ذیل آیه‌ی اکمال^۳ تلاش بیهوده می‌کند تا ثابت کند که این آیه، درباره‌ی آن حضرت نازل نشده است، و ذیل آیه‌ی تبلیغ^۴ نیز به همین منوال عمل کرده است. در برخی موارد همچون آیه انذار^۵ و آیه شهادت^۶ نیز به گونه‌ای تحریف‌گرانه می‌گذرد که گویی اصلاً شأن نزول این آیات به علی علیه السلام مربوط نمی‌شود.^۷

۲-۲. تألیفات فخررازی

فخررازی دارای تألیفات فراوان است، از آن جمله است:

۱. بقره؛ آیه‌ی ۲۰۷.

۲. علامی؛ ابوالفضل و دیگران؛ آشنایی با تفاسیر و مفسران؛ ص ۸۵.

۳. مائده؛ آیه‌ی ۳.

۴. مائده؛ آیه‌ی ۶۷.

۵. شعراء؛ آیه‌ی ۲۱۴.

۶. رعد؛ آیه‌ی ۴۳.

۷. همان؛ ص ۸۶.

١. التفسير الكبير (مفاتيح الغيب).
٢. تفسير الفاتحة.
٣. التفسير الصغير (أسرار التنزيل و أنوار التأويل).
٤. نهاية العقول.
٥. « المحصول في علم أصول الفقه ».
٦. المباحث المشرقية.
٧. لباب الإشارات.
٨. المطالب العالية في الحكمة.
٩. المعالم در اصول فقه.
١٠. المعالم در اصول دين.
١١. تنبيه الإشارة در اصول.
١٢. الأربعين در اصول دين.
١٣. سراج القلوب.
١٤. زبدة الأفكار و عمدة النظار.
١٥. شرح الإشارات.
١٦. مناقب الامام الشافعي.
١٧. تفسير اسماء الله الحسنى.
١٨. تأسيس التقديس.
١٩. الطريقة در جدل.
٢٠. رسالة فى السؤال.
٢١. منتخب تنكلوشا.
٢٢. مباحث الوجود و العدم.
٢٣. مباحث الجدل.
٢٤. النبض.
٢٥. الطريقة العلائية در خلاف.
٢٦. لوامع البيئات در شرح اسماء و صفات خدا.
٢٧. فضائل الصحابة الراشدين.
٢٨. القضاء و القدر.
٢٩. رسالة فى الحدوث.
٣٠. اللطائف الغيائية.
٣١. شفاء العى من الخلاف.
٣٢. الخلق و البعث.
٣٣. الأخلاق.
٣٤. الرسالة الصاحبية.

٣٥. الرسالة المجدية.
٣٦. عصمة الأنبياء.
٣٧. مصادر إقليدس.
٣٨. فى الهندسه.
٣٩. فئنه مصدور.
٤٠. رساله فى ذم الدنيا.
٤١. الإختيارات العلائيه فى التأثيرات السماويه.
٤٢. إحكام الأحكام.
٤٣. الرياض المونقه.
٤٤. رساله فى النفس.
٤٥. المحصل فى علم الكلام.
٤٦. الطريقه فى الخلاف.
٤٧. المحصول فى الفقه.
٤٨. الملل و النحل.
٤٩. الآيات البينات.
٥٠. رساله فى التنبيه على بعض الأسرار المودعه فى بعض سور القرآن الكريم.
٥١. شرح عيون الحكمة.
٥٢. رساله الجوهر الفرد.
٥٣. فى الرمل.
٥٤. مسائل الطب.
٥٥. الزبده فى علم الكلام.
٥٦. الفراسه.
٥٧. الملخص فى الفلسفه.
٥٨. المباحث العماديه فى المطالب المعاديه.
٥٩. الخمسين فى اصول الدين.
٦٠. رساله فى النبوات.
٦١. نهايه الايجاز فى درايه الإعجاز.
٦٢. البيان و البرهان فى الرد على اهل الزيغ و الطغيان.
٦٣. عيون المسائل النجارية.
٦٤. تحصيل الحق.
٦٥. مؤاخذات على النحاة.
٦٦. تهذيب الدلائل و عيون المسائل فى علم الكلام.

۶۷. ارشاد النظائر إلى لطائف الأسرار في علم الكلام.

کتبی که فخر رازی ابتدای به تألیف آن ها کرده اما آن ها را تمام نکرده نیز عبارتند از:

۱- شرح سقط الزند.

۲- شرح کلیات القانون.

۳- شرح وجیز الغزالی.

۴- فی ابطال القیاس.

۵- شرح نهج البلاغه.

۶- الجامع الكبير فی الطب.

۷- شرح المفصل للزمخشری

۸- التشریح من رأس الی الحلق.

نیز از جمله کتبی که فخر رازی به فارسی نوشته می توان به رساله الکمالیه، تهجین تعجیز الفلاسفه و البراهین البهائیه نام برد.^۱

آیت الله معرفت رحمه الله علیه درباره ی تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب) فخر رازی می نویسد:

تفسیر وی [فخر رازی] از عظیم ترین کتب تفسیری است که مؤلف - در آن - با توجه به توانایی و مهارتش در علوم گوناگون، به جوانب مختلف کلام خدا پرداخته است. او با مهارت و تبحر، به مسائل مختلف اصول و فلسفه و کلام و مسائل اجتهاد نظری و عقلی پرداخته و سخن را در این موارد به درازا کشانده و گاه از حد اعتدال خارج شده و در پایان مباحث، انبوهی از ابهامات و تشکیکات به جای گذاشته است؛ چنانکه کار محققان و مراجعان به این تفسیر را دشوار ساخته است. او با این حال، بسیاری از مباحث عمیق اسلامی را در این تفسیر، به روشنی بیان کرده است.^۲

همچنین جناب آقای خرمشاهی می نگارد:

۱. رازی؛ فخرالدین؛ پیشین؛ ج ۱؛ ص ۱۳-۱۴.

۲. معرفت؛ محمد هادی؛ تفسیر و مفسران؛ ج ۲؛ ص ۲۷۲-۲۷۳.

اگر کشف را به حق بزرگ ترین و مهم ترین تفسیر در مکتب معتزله به شمار آوریم، تفسیر کبیر بزرگ ترین و مهم ترین تفسیر به مشرب اشاعره است و کما... و کیفاً یکی از سه چهار تفسیر گرانقدر در تاریخ تفسیر قرآن کریم است.^۱

۲-۳-۱. روش مؤلف در تفسیر کبیر

در این که در این تفسیر چه روشی به کار گرفته شده است آیت الله معرفت رحمه الله علیه می نویسد:

ابتدا آیه را ذکر می کند و پس از آن با اجمال و اختصار درباره ی آن سخن می گوید و مسائل آن را بیان می کند. سپس از نظر قرائت، ادب، فقه، کلام و تفسیر آیه بحث می کند و در نهایت به شیوه ای وافی و کافی مطلب را بیان می کند. این روش از بهترین روش های تفسیری است که در آن، مسائل تفکیک و بحث در مورد هر بخش متمرکز می شود و هر مسئله به طور مفصل در جای خود بیان می شود؛ بدون اینکه مباحث به هم بیامیزد و به همین جهت خواننده را سرگردان نمی سازد.^۲

ایشان روش این تفسیر را کلامی - فلسفی دانسته است.^۳

جناب آقای خرمشاهی می گوید:

در انصاف علمی و ادب تحقیق او همین بس که آراء مخالفان، علی الخصوص معتزله را با تصریح به نام قائل آن ها، و از آن مهم تر به دقت و امانت و شرح و بسط لازم نقل می کند. آن گاه محل نزاع را به روشنی تحریر و پس از نقل و ارزیابی اقوال، پاسخ خود را به شیوایی تقریر می کند.^۴

همچنین آیت الله معرفت رحمه الله علیه می نگارد:

۱. خرمشاهی؛ بهاءالدین؛ قرآن پژوهی؛ ص ۲۰۰.

۲. معرفت؛ محمدهادی؛ تفسیر و مفسران؛ ج ۲؛ ص ۲۷۳.

۳. همان.

۴. خرمشاهی؛ بهاءالدین؛ پیشین؛ ص ۱۹۱.

از جمله ویژگی های امام فخررازی این است که به مسائل مختلف ادب و کلام و فلسفه و اصول وارد می شود و از آن خارج نمی شود مگر آنکه انبوهی از شک و ابهام را در مورد آن مسئله بر جای می گذارد که چه بسا منشأ ایجاد اشکال یا اشکالات فراوانی می گردد؛ ولی به این اشکالات جز جواب های ضعیف و سست نمی دهد و خواننده را در حیرت و سرگردانی رها می کند.^۱

نیز می نگارد:

معروف است که رازی در اصول عقاید، اشعری مذهب است و به جبر اعتقاد داشته؛ ولی هنگام پرداختن به مسائل کلامی نظریات مذاهب مختلف اشعری را بیان می کند؛ چنانکه گاهی منجر به تضعیف مذهب اشعری می گردد.^۲

جناب آقای خرمشاهی نیز می نویسد:

حوصله و همتی که در نقل اقوال مخالفان به خصوص معتزله دارد، بسیاری از هم مشربان اشعری او را به اعتراض واداشته است. چنان که به طنز در این باره گفته اند آراء مخالفان را نقد مطرح می کند و نسبه پاسخ می دهد. حتی بعضی گفته اند تقریر او از آراء مخالفان نیرومندتر و بانشاط تر از پاسخ گویی های اوست. و بعضی دیگر در توجیه این امر گفته اند که همه ی هوش و هنر و توش و توان خود را صرف طرح و بیان نظرگاه و اقوال مخالفان می کند، به طوری که چون نوبت به پاسخ گویی و دفاع از نظرگاه خودش می رسد، آثار ملال و ماندگی در بیان او مشاهده می گردد. حق این است که این اعتراضات وارد نیست و همان انصاف و اهتمام او در نقل شایسته ی اقوال مخالفان بر دوستداران و هم مشربانش گران آمده است؛ وگرنه در صدر و ذیل یک بحث یا نقد او فراز و نشیب یا نوسانی مشهود نیست.^۳

ایشان در ادامه می نویسد:

۱. معرفت؛ محمدهادی؛ تفسیر و مفسران؛ ج ۲؛ ص ۲۸۰.

۲. همان؛ ص ۲۸۰.

۳. خرمشاهی؛ بهاءالدین؛ پیشین؛ ص ۱۹۱-۱۹۲.

امام فخر هیچ مورد و مسأله ای را به ایجاز و اختصار و کلی گویی برگزار نمی کند، بلکه هر مسئله ی به ظاهر ساده ای را موشکافانه بررسی می کند و آن را به بحث های چندگانه تحت عنوان « وجه » و « مسئله » تقسیم می نماید. حتی بحث های فقهی او با قرینه هایش در تفسیرهای فقهی فی المثل نظیر احکام القرآن ابن العربی، و از آن مفصل تر الجامع الأحکام القرآن قرطبی پهلو می زند. از آنجا که پیرو مذهب شافعی است در درجه ی اول آراء و اجتهادات امام شافعی را به میان می آورد. در میان سایر فقها به نقل و نقد اقوال ابوحنیفه بیشتر از دیگران اعتنا دارد.^۱

آیت الله معرفت رحمه الله علیه درباره ی وجود مباحث بیهوده در تفسیر کبیر می نگارد:

گاه در این تفسیر عظیم و ارزشمند، مباحث بیهوده ای مشاهده می شود که در زندگی بشری جایی ندارد و از لحاظ علمی و عملی نیز هیچ گونه فایده ای ندارد؛ اما فخررازی به آن ها پرداخته است که گمان می کنم جنبه تفریح و تفنن داشته است. البته این مباحث، از آن مجادلات طولانی و بیهوده ای که وی صفحات زیادی از تفسیر خود را با آن ها ضایع نموده و مسلماً ذکر نکردن آن ها بهتر و شایسته تر بود جداست.

از جمله ی این مباحث، مسئله ی ششم است درباره ی اینکه آسمان برتر است یا زمین؟ که پس از آن نیز برای تفصیل و ترجیح هر کدام جوهری را ذکر نموده است.^۲

آیت الله استادی این سخن را که در این تفسیر همه چیز؛ جز تفسیر وجود دارد را نادرست دانسته و بیان می کند که این تفسیر هم دربردارنده ی مباحث تفسیری است و هم مطالب متفرقه.^۳

۲-۳-۲. ویژگی های تفسیر کبیر

جناب آقای خرمشاهی ویژگی های تفسیر کبیر فخررازی را به شرح ذیل آورده است:

۱. همان؛ ص ۱۹۲.

۲. معرفت؛ محمدهادی؛ تفسیر و مفسران؛ ج ۲؛ ص ۲۹۳.

۳. استادی؛ رضا؛ پیشین؛ ص ۲۲۹.

۱. تفصیل بسیار، گاه تا حد اطناب در تفسیر او [فخررازی] مشاهده می گردد. و این از آن است که معارف گوناگونی را به هر مناسبت _ و به عقیده منتقدان مخالف، بدون مناسبت _ در ذیل هر آیه ای می آورد. پیداست که امام فخر می خواسته است در نگارش این تفسیر هنرنمایی کند. چنانکه در طلیعه ی تفسیر و در دیباچه تفسیر سوره ی فاتحه می نویسد:

بدان که یک بار بر زبان من رفته بود که می توان از فواید و نفایس این سوره ی کریمه، ده هزار مسئله استنباط کرد، و بعضی از حسّاد و اهل جهل و بغی و عناد، این امر را مستبعد شمرده بودند و آن را از قبیل نگارش های کم معنا و خالی از تحقیق خود انگاشته بودند و چون به تصنیف این کتاب آغاز کردم، این مقدمه را نگاشتم تا هشداری به آنان باشد و نشان دهد که این امر ممکن الحصول و قریب الوصول است» سپس به واقع درصدد اثبات مدعای خود - ولی نه تا حد ارائه ی ده هزار مسئله - برمی آید.^۱

همچنین ایشان در بیان دیگر ویژگی های تفسیر کبیر آورده است:

۲. در تفسیر کبیر استطراد و بحث فرعی بسیار است. . .

۳. بیشتر مطالب این تفسیر جدلی و ردّیه وار است. . .

۴. با آنکه نظرگاه مؤلف عقلی - استدلالی است، ولی چنان نیست که به نقل احادیث به کلی بی اعتنا باشد. آری در نقل احادیث . . . سلسله ی سند حدیث را یاد نمی کند. همچنین احادیثی را که بسیاری از مفسران - حتی عقلی مشربانی چون زمخشری و طبرسی - در فضایل سوره ها و ثواب قرائت آن ها نقل می کنند، به میان نمی آورد.

۵. اهتمام بسیار به بیان وجوه تناسب بین آیات و بین سوره ها . . . دارد.

۶. به نقل شواهد شعری، به قصد استشهاد لغوی یا نحوی یا بلاغی، اعتنای شایان توجهی دارد. . .

۷. اسباب نزول یا شأن نزول را نیز در هر مورد یاد می کند.

۱. خرمشاهی؛ بهالدین؛ پیشین؛ ص ۱۹۲-۱۹۳.